

معرفی و بررسی کتاب

سربازان ساسانی در جامعه مسلمانان نخستین

• دکتر عبدالرسول خیراندیش
عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

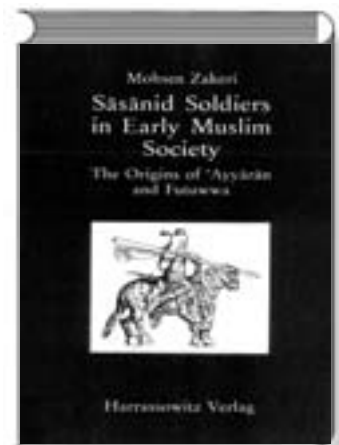


«اسواران» بوده‌اند. جمعی از آن‌ها با پیوستن به مسلمانان در اوایل فتوح موقعیت خود را تا حدودی حفظ کردند. اینان در قرون نخستین اسلامی چه سرنوشتی یافتند؟ ذاکری کوشیده است نشان دهد که جماعت‌هایی با نام عیاران، فتیان، آزادگان، ... و حتی دهقانان و پیروان قدریه در واقع همان اسواران بوده‌اند. برای اثبات این نظر ابتدا جامعه و ارتش دوره ساسانی معرفی و بررسی شده است. شروع این مبحث نیز با این پرسش است که آیا جامعه ساسانی جامعه‌ای فتودالی به شمار می‌آید یا خیر؟ در دنباله این

بحث به مقوله «آزادگان» به عنوان پایین‌ترین مرتبه از طبقه زمیندار ساسانی پرداخته شده و رابطه میان زمینداری و شکل‌گیری صفوف ارتش نشان داده شده است. در این صفوف ارتش، گروهی به عنوان سواران نژاده یا نخبه وجود داشته‌اند که همان اسواران هستند.

از آن‌جا که در صفوف نظامیان کسانی چون سرهنگان، بندگان و عیاران هم وجود داشته‌اند، موقعیت اینان به عنوان وابستگان به شخص شاه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب نویسنده تصویری از جامعه و ارتش دوره ساسانی ارائه می‌کند و این نزدیک به صد صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد.

با سقوط دولت ساسانی، بقایای ارتش آن که در خدمت مسلمانان درآمده بود، با نام‌های گوناگونی در جامعه اسلامی ادامه حیات داد. برای نشان دادن تحولی که در این برهه از تاریخ ایران صورت گرفته، نویسنده ابتدا به بررسی موقعیت دهقانان در قبال اعراب مسلمان می‌پردازد و سپس شکل‌گیری جمعیت اسواران در دوشهر بصره و کوفه را مورد بحث قرار می‌دهد. عراق و خراسان دو منطقه‌ای هستند که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای تکمیل این مبحث

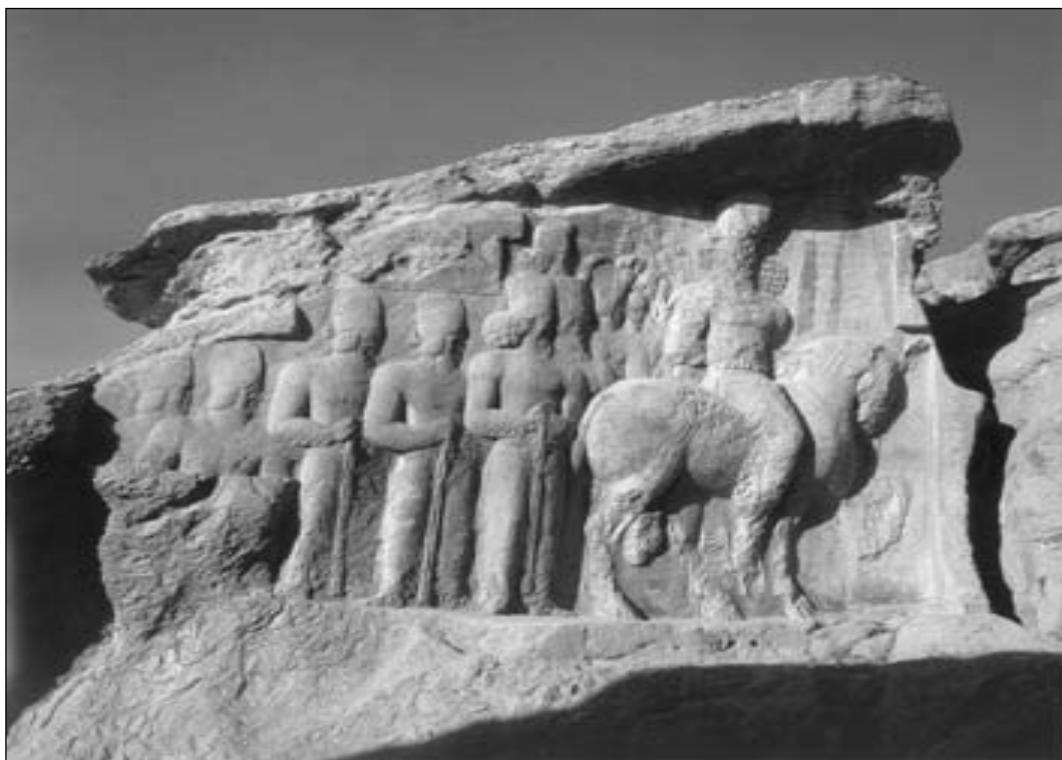


- sassanid soldiers in Early Muslem society
- Author: Mohsen Zakeri
- Publisher: Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, 1995

عیاران و فتیان دو گروه اجتماعی پرآوازه در ایران بعد از اسلام هستند. برای ریشه‌یابی منشأ پیدایش آنان مباحث گوناگونی مطرح شده است. از جمله در کتاب سربازان ساسانی در جامعه مسلمانان نخستین، آن‌ها (سربازان ساسانی) را منشأ دو گروه فوق معرفی می‌کند. نویسنده کتاب آقای محسن ذاکری این اثر را به عنوان رساله دکتری خود پدید آورده و چنان‌که در پیشگفتار آورده در هنگام نوشتن آن سالیانی را سرگردان بوده است.

آیا ناتمام به نظر رسیدن بعضی از مباحث آن را باید به همین دلیل دانست؟ زیرا در این نوشته می‌توان تلاشی طاقت فرسا را مشاهده کرد و آن را از جمله تحقیقات ارزنده دانست.

نویسنده این اثر بر آن است که اهل فتوت که در تاریخ ایران بعد از اسلام بسیار مشهور هستند در اصل «اسواران» بوده‌اند. می‌دانیم که سواره نظام ایرانی قبل از اسلام موسوم به



نقش رستم فارس، پیروزی بهرام دوم، پادشاه ساسانی، از کتاب ایران زمین، جیمز ویت و جمیله حیدری.

متون پهلوی ساسانی و اشکانی و نیز عربی و آرامی و امثال آن قرار می‌گیرد. در همه جا نیز مرجع اطلاعات ذکر می‌شود. از آن جایی که صورت اصلی این بحث تاریخی است، متأسفانه چنین کنکاش‌های لغت‌شناسانه‌ای موجب شده است مقصود اصلی نویسنده از نظر دور بماند. چنانکه اگر قسمتی از چنین مباحثی در حاشیه یا تعلیقات کتاب واقع می‌شد، اصل متن بهتر در برابر دید خواننده قرار می‌گرفت. از سوی دیگر فروغ‌لطیدن در مباحث لغوی موجب شروع یک بررسی صوری و فارغ از جنبه‌های زمانی و مکانی، چه برای لغات و چه برای رویدادهای مرتبط با آن‌ها شده است. این امر خلاً عجیبی از نقد تاریخی را در کتاب موجب می‌شود. با امید به این که مباحث این کتاب برای قرون بعدی نیز دنبال شود و پرسش‌های بسیاری که برای تحولات تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی وجود دارد پاسخ مناسب خود را بیابد. زیرا تا حدود زیادی به نظر می‌آید مطالبی که نویسنده با دقت و حوصله بسیار با مراجعه به منابع فراوان پیگیر آن‌ها شده است ناتمام مانده‌اند. با این حال این کتاب مزایا و فواید بسیار دارد و در جای خود بر بسیاری از آثار مشابه برتری نشان می‌دهد.

فرزندان بزرگان ایرانی که «ابنا» نامیده می‌شدند نیز مطرح شده‌اند. این مباحث در حدود دویست صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد. یعنی نیمی از حجم آن. این مطالب اساساً مربوط به قرن اول هجری است که تا اواخر قرن دوم نیز کشیده می‌شود. مبحث پایانی این کتاب درباره شعوبیه و قدریه است. این مبحث که حدود سی صفحه است، حال و هوای بحث را به جریانات فکری می‌کشد و لذا تا حدودی با مباحث قبلی متفاوت می‌نماید. همین امر می‌تواند نشان دهد که نویسنده به راهی متفاوت با کارهای قبلی در این زمینه رفته است. پیش از این اغلب تصوف به عنوان عامل ارتباط پدیده فتوت قبل و بعد از اسلام مطرح بوده است. زیرا میان تعالیم مهری و تعالیم صوفیانه شباهت بسیار هست و اعمال پهلوانی و مراحل تربیت پهلوانان، به خصوص در جایی مانند زورخانه نشانه این امر دانسته می‌شود. اما نویسنده این کتاب عنایت خاصی در این معانی ندارد. بلکه بیشتر بر آن است که به اتکای فقه‌اللغه و نیز مستندات متون نظریات خود را ارائه دهد. این دو روش از نکات قوت کتاب است. واژه‌هایی چون عیاران و دهقانان و امثال آن مورد ریشه‌یابی دقیق بر اساس



در مورد اهمیت شهر بست است تا بیان نحوه شکل گیری مطوعه.

بر شمردن عوامل ناآرامی در سیستان که منجر به ظهور جنبش حمزه آذرک گردید، مطالب پایانی فصل اول را تشکیل می دهد.

«خوارج و حمزه آذرک» عنوان فصل دوم است که در آن ضمن بیان زمینه های پیدایش خوارج، به تعالیم مشترک و اعتقادات آن ها نیز اشاره شده است. در ادامه نام های مختلف و فرقه های گوناگون خوارج ذکر شده و مناطق نفوذ آن ها در قلمرو جهان اسلام و ایران مشخص گردیده است، اما بر خلاف عنوان این فصل به حمزه آذرک پرداخته نشده است.

برای فصل سوم عنوان «جنبش حمزه آذرک»، انتخاب شده است. مؤلف در ابتدا به آغاز کار حمزه پرداخته و در ادامه رقبای فکری و مخالفان سیاسی حمزه در سیستان و نیز اعتقادات خاص حمزه را بر شمرده است. به نظر مؤلف، حمزه آذرک برای آن که بتواند در سیستان صاحب قدرت و نفوذ باشد می بایست سه نیروی مخالف سیاسی خود را به زانو در می آورد که این سه گروه عبارت بودند از گروه های خوارج، نیروهای رسمی خلافت و مطوعه.

حمزه پس از سرکوب آن دسته از خوارج سیستان که با او هم عقیده نبودند، به هرات تاخت و پس از کسب موفقیت هایی، مردم سیستان را تحریک کرد تا از پرداخت مالیات خودداری کنند. بنابر نوشته تاریخ سیستان «حمزه مردمان سیستان را همه بخواند و بگفت یک درم خراج و مال بیش به سلطان مدهید چون شما را نگاه نتواند داشت و من از شما هیچ نخواهم و نستانم که من بر یکجا نخواهم نشست.»^۲

جنگ های دیگر حمزه با خوارج از جمله در کرمان و حملات ویرانگر او به خراسان (بیهق)، مطالب دیگری است که در این فصل به آن ها پرداخته شده است.

نامه هارون الرشید به حمزه که از او خواسته بود تسلیم شده و دست از آشوب بردارد و پاسخ حمزه به نامه خلیفه به نقل از تاریخ سیستان از مطالب ارزشمند این فصل است. آن چه در پاسخ حمزه به هارون الرشید قابل توجه است این بخش از جواب اوست که نوشته: «من خود مردم را به کتاب خدا می خوانم و جنگ من با عاملان تو برای تصرف ملک تو و رغبت در دنیا و جاه طلبی و بدنامی نیست، بلکه برای بدسیرتی و خونریزی و مال ستانی و بدکاری ایشان است.»^۵

در ادامه مرگ هارون الرشید و انصراف حمزه از ادامه مبارزه با خلافت و پرداختن او به جنگ های دینی (جهاد) مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف در برابر این سؤال که چرا حمزه از فرصت مناسبی که بعد از مرگ هارون الرشید پیش آمده بود استفاده نکرد، چهار پاسخ را مطرح کرده است.

اشاره به اوضاع سیستان در زمان غیبت حمزه و بازگشت او به سیستان و جنگ با مطوعه و بررسی رابطه حمزه با مامون و ظاهر ذوالیمینین از مباحث دیگری است که در این فصل به آن ها پرداخته شده است.

مرگ حمزه در سال ۲۱۳ هـ. ق. هر چند نقطه پایان فعالیت های سی ساله او در سیستان بود، اما موجب پایان یافتن قدرت و اقتدار خوارج در آن جان شد و منحصراً ماندن دایره فعالیت آن ها را در منطقه سیستان به دنبال داشت.

مؤلف برای فصل چهارم عنوان «مروری بر شخصیت حمزه بن عبدالله» را انتخاب کرده است و در واقع این بخش تحلیل مؤلف است از این جنبش. نتیجه گیری مؤلف و فهرست منابع و مأخذ قسمت های پایانی کتاب را تشکیل می دهند. در نتیجه گیری، مؤلف ظهور یعقوب لیث و به چالش طلبیدن قدرت خلیفه عباسی را سیر طبیعی حوادث و سازمان یافتن حرکت هایی می داند که قبل از ظهور حمزه آذرک آغاز شده بوده و با اقدامات حمزه وارد مرحله حساسی شد و سرانجام یعقوب لیث آن را به صورت ایجاد دولتی مستقل به خدمت گرفت.

پی نوشت ها:

- ۱- باید در نظر داشت که اصطلاح خوارج در این زمان واژه عامی بود برای نامیدن ناراضیان.
- ۲- عزالدین ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، به اهتمام دکتر سادات ناصری، جلد چهارم، ص ۱۹ و ۲۰.
- ۳- احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۲۶۹.
- ۴- محمد تقی رخشانی، سیستان در واپسین سال های تسلط اعراب بر ایران، زاهدان: انتشارات تفتان، ۱۳۸۲، ص ۷، به نقل از تاریخ سیستان.
- ۵- غلام حسین صدیقی، جنبش های دینی ایرانی در قرن های دوم و سوم هجری، تهران: پازنگ، ۱۳۷۵، ص ۷۵.

مرگ حمزه در سال ۲۱۳ هـ. ق. هر چند نقطه پایان فعالیت های سی ساله او در سیستان بود، اما موجب پایان یافتن قدرت و اقتدار خوارج در سیستان نشد و منحصراً ماندن دایره فعالیت آن ها را در منطقه سیستان به دنبال داشت